

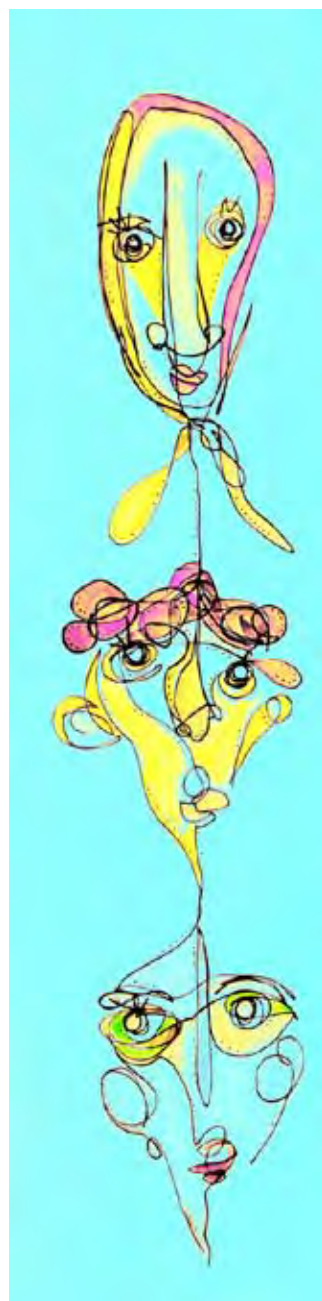
مرد گفت: «خب برمی‌گرده، اشک ریختن نداره!»  
مردم گفتند: «هنگه کاغذ داده که برمی‌گرده؟ اگر برنگشت چی؟»  
مرد گفت: «این‌ها دیگه چه خنگن! این‌جا هم جای من نیست! برگردم برم خونه‌ام! مثل این که زخم از همه بهتر بود!»  
ما از این داستان نتیجه می‌گیریم:  
۱. یکی از شغل‌های متداول در روزگاران قدیم همانا راه‌نزدیک‌کن و کاسه‌گشاد کن بوده است. راه‌نزدیک‌کن‌ها و کاسه‌گشاد کن‌ها ده به ده می‌رفتند و راه‌ها را نزدیک و کاسه‌ها را گشاد می‌کردند.  
۲. گسترش بیماری‌های کلیوی در نتیجه‌ی افزایش بیماری قند بوده است.  
۳. قبل از هر تلاشی برای ترک منزل ابتدا تحقیق کنیم تا بعد ضایع نشویم.

## داستان‌های کپش و مان

### خنگ بالای خنگ زیاده!

ما کوله‌نویس‌ها یک جورهایی خودمان را رفیق فابریک نویسنده‌گانی مثل نصرالله منشی می‌دانیم. چون اولین قصه‌هایی که باعث شد رویای نویسنده شدن ببینیم، آثار کهن آن‌ها بود. برای همین هم در این ستون سراغ‌شان می‌رویم و کمی هم سر به سرشان می‌گذاریم. به هر حال رفیقند و ناراحت نمی‌شوند.

یکی بود، یکی نبود. یک آقای بود که یک زن داشت. یک روز که رفت خانه، دید زنش چهار دست و پا نشسته تنگ دل گاو. گفت: «چه می‌کنی؟»  
زنش گفت: «دل‌مون گرفته با هم معاشرت می‌کنیم!»  
مرد گفت: «عجب! من با چه خنگی زندگی می‌کردم! این‌جا جای من نیست! این زندگی دیگه زندگی نمی‌شه!»  
و بچه‌اش را بست و راه افتاد و رفت. رفت و رفت تا نیمه‌شب رسید به یک دهی! از بالای ده به دسته مرد با یک بغل خس و خاشاک و یک چراغ زنبوری می‌رفتند. مرد گفت: «کجا می‌رید؟»  
مردها گفتند: «داریم می‌ریم پایین ده این خس و خاشاک رو روشن کنیم!»  
مرد گفت: «باید من براتون روشن کنم!»  
و با آتش چراغ زنبوری، خس و خاشاک را روشن کرد. مردها انگشت حیرت به دهان بردند و گفتند: «!!!!!! راه نزدیک کن اومده!»  
مرد پیش خودش گفت: «این‌ها چه خنگن! این‌جا جای من نیست!»  
و رفت و رفت و رفت تا نزدیک صبح رسید به یک ده دیگر. در خانه‌ی اول را زد. یکی پشت در گفت: «کیه؟»  
مرد گفت: «مسافر از راه دور اومدم. یه چیکه آب به من می‌دید؟»  
زن در را باز کرد یک کاسه آب داد دست مرد. کاسه لایه‌لایه غذای خشکیده تویش مانده بود و لبال پر شده بود و دو قطره آب تویش جا می‌گرفت.  
مرد گفت: «این کاسه‌ها چرا همچینه؟ نمی‌شوریدشون؟!»  
زن گفت: «نمی‌شوریدشون چیه؟ ما نگه‌شون می‌داریم تا پر بشه! لبال که شد می‌ندازیم دور یکی دیگه می‌خریم!»  
مرد راه افتاد توی ده و داد زد: «خونه‌دار و بچه‌دار، زنبیل رو بردار و بیار که کاسه‌گشاد کن اومده!»  
و یکی یکی کاسه‌ها را گرفت و شست و پس‌شان داد و پولش را گرفت. حسابی که پول در آورد، گفت: «این‌جا هم جای من نیست. پاشم برم!»  
و راه افتاد و رفت و رفت تا نیمه‌شب رسید به یک دهی. مردم ده توی دشت نشسته بودند و های و های اشک می‌ریختند. مرد گفت: «چرا همچین می‌کنید؟»  
مردم گفتند: «اشک می‌ریزیم بلکه خورشید دلش بسوزه برامون برگرده!»



## اتاد می‌فیم

### نیلوفر نیک بنیاد

تصویرگر: حمید حاجی میرزایی

می‌دانستید مردم ایران در حدود ۲۵۰۰ سال پیش، یعنی در زمان هخامنشیان، به زبان فارسی باستان حرف می‌زدند؟ این را هم می‌دانستید که حرف‌های شان را به خط میخی می‌نوشتند؟ اگر دوست دارید خط میخی یاد بگیرید، آموزش‌های قدم به قدم استاد میخچه را دنبال کنید.

### درس اول:

خط میخی یک خط هجانگار است. یعنی چه؟ یعنی این که هر صامت یا حرف بی‌صدا، می‌تواند یک مصوت یا حرف صدادار همراه خودش داشته باشد. باز هم یعنی چه؟ یعنی این که مثلا وقتی می‌گویید S هم می‌تواند منظورتان باشد و هم SA. می‌دانم سخت شد ولی خودتان را ناراحت نکنید. کم‌کم یاد می‌گیرید.

**نکته‌ی هفته:** مصوت کوتاه «A» (فتحه) در خط نوشته نمی‌شود (چون در دل صامت‌ها قرار دارد) ولی مصوت بلند «Ā» (آ) نوشته می‌شود.

**مثال هفته:** (سلام)

𐎎𐎠𐎼𐎿

↓ ↓ ↓ ↓ ↓

𐎎𐎠𐎼𐎿

**تمرین هفته:** پس حالا نوشتن چهار حرف S, L, Ā, M را یاد گرفتید. اگر می‌توانید با همین چهار حرف کلمه‌ی دیگری بسازید و به ایمیل کوله‌پشتی بفرستید.

## پول‌فند

ما ادعا نداریم که این جدول طنز است اما یکی از خفن‌ترین طنز نویسان کوله‌پشتی آن را طراحی کرده است. عمرا! اگر حدس بزنید کی!

۱. اگر پیدایش کردی قدرش را بدان!
۲. صفت هم قافیه‌ای برای پاییز
۳. دو عدد از دوستانی که در کارند تا تو نانی به کف آری!
۴. یک رو ندارد.
۵. نان آن مفید است، بخورید.
۶. چیزی که در یک معرکه مورد لعنت واقع می‌شود.
۷. نقص و بیماری ندارد.
۸. به جای قند می‌شود آن را خورد. فرنگی‌اش هم خوشمزه است. (دیگر نمی‌دانیم چه طور راهنمایی کنیم که جوابش را حدس بزنید.)
۹. بازیکن معروف فوتبال که خواستیم یادآوری کنیم هنوز گلی که به ما زده از خاطرم نرفته است.
۱۰. صمیمی و خلاصه‌شده‌ی مغز و تمام متعلقاتش.
۱۱. کافی.
۱۲. مرغ همسایه.
۱۳. زو دارد. (بی‌مزه؟ ما!!)
۱۴. شادی نیست.
۱۵. رو نیست.
۱۶. توهم آب.
۱۷. این‌جانب (البته طراح جدول که سوالاتش بامزه‌اند، قطعا دو حرف نیست و نمی‌تواند جواب باشد. بیش‌تر فکر کنید.)

### جواب‌های جدول شماره‌ی پیش:

۱- کودکان ۲- شیر ۳- انگشتان ۴- ار ۵- استرس ۶- یوز ۷- منجیل ۸- درسی ۹- هر عدد دوحرفی که تو سراغ داری ۱۰- سفیر ۱۱- وست ۱۲- دو ۱۳- خوشحال ۱۴- نارنجی ۱۵- عطا ۱۶- در ۱۷- لب ۱۸- زار

